

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اسماعیل هوشیار

۲۹ اکتوبر ۲۰۱۲

نخواستن یا نتوانستن؟!

با نزدیکتر شدن زمان انتخابات امریکا و بالطبع آخرین سرفصل برای حکومت اسلامی ؛ که انتخابات بعدی خودش است ؛ کمی دست پاچگی دیپلماتیک از سوی طرفین دیده می شود . در این تردیدی نیست که هم غرب و هم حکومت اسلامی خواسته دلشان است تا از طریق مذاکره و راه های حل دیپلماتیک مشکلات خودشان را با هزینه کمتری حل کنند . فقط سؤال این است که آنها اگر تا به حال به توافقی نرسیده اندنخواستن یا نتوانستن اند؟ و سؤال بعدی این می شود که هر کدام از طرفین (حکومت اسلامی و غرب) چه می خواهند و چقدر؟

آیا مسئولان حکومت اسلامی هنوز درک نکرده اند که خواست سیاستهای نوین غرب در مجموعه خاورمیانه بزرگ چیست؟ آیا غرب هنوز متوجه نشده است که این آخرین حلقه موجود دوران جنگ سرد در خاورمیانه؛ با تمامی موارد دیگر کاملاً (منفی) تفاوت دارد ؟

رفسنجانی که این روزها مشغول پختن آش شرکت در نمایش انتخابات بعدی حکومتی برای خودش است تا به حال اشاراتی مختصر و مهم به مشکل "بودوبود" نظامش کرده است. از جمله همین چند ماه پیش بود که در مصاحبه ای گفت: عدم دخالت ما در خاورمیانه مشکلی برای حکومت پیش نمی آورد ! احمدی نژاد در نیویورک به آمادگی حکومت اسلامی برای مذاکره مستقیم با امریکا اشاره کرد! روزنامه نیویورک تایمز چند روز پیش خبر داده بود که دولت های امریکا و ایران، نسبت به مذاکره مستقیم درباره پرونده هسته ای ایران با یکدیگر توافق کرده اند. روزنامه لوموند چاپ پاریس نیز روز چهارم آبان به این امر اشاره داشته است که دیپلمات های ایرانی و امریکایی طی سال های اخیر به ویژه در کشور سوئیس در چارچوب آن چه " دیپلماسی موازی" خوانده می شود با یکدیگر گفت و گو کرده اند. سفر حسن طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه همراه با ولایتی مشاور خامنه ای در سیاست خارجی ؛ به امریکا برای مذاکره ؛ آخرین حلقه این زنجیره است و البته با تکذیب یا سکوت چنین سفرها و ملاقاتهایی از سوی هردو طرف !

بدون تردید از سالیان پیش مذاکره مخفی و لابی گریهای مختلفی بین غرب و حکومت اسلامی در جریان بوده است؛ اینکه تکذیب شود یا تأییدموضوع ذهنی من نیست . من شخصا آرزو می کنم که شخص رفسنجانی یا خامنه ای؛ علنی یا مخفی؛ راهی امریکا شوند...مذاکره کنند و به توافق هم برسند. این خواسته قلبی من نه در تأیید سیاستهای

تخریبی غرب.... بلکه در ذوب شدن این غده سرطانی اسلامی است . حداقل مردم فشار کمتری متحمل می شوند . ولی هنوز خوش بین نیستم .

رفسنجانی که معتقد است عدم دخالت حکومت اسلامی در خاورمیانه و به دنبالش به رسمیت شناختن اسرائیل و مجموعاً قطع شدن یک پای حکومت (صدر بحران) تضادی برای حکومت پیش نمی آورد.... شاید در فرم و تئوری درست حدس زده باشد ؛ اما در عمل تأثیر چنین رویکردی مثل عملکرد زهری است که آرام آرام در خون می نشیند و در میان مدت به تغییر ماهیت پدیده منجر می شود . شاید رفسنجانی این را هم می داند و به هر صورت برایش بهتر از جنگ و انقلاب باشد ! اما قطعاً کسانی در حکومت اسلامی هستند که هنوز از درک خیلی از تحولات کلان جهانی و منطقه ای عاجزند! یک تحلیل گرسپاسی معتقد است : در محافل خصوصی و نیمه خصوصی امریکائی گفته می شود که، حوزه رابطه با امریکا در دست رده های بالای سپاه به خصوص نیروی قدس اداره می شود.

قطعا اعضای نیروی قدس سپاه با هزاران عضو برای سیاست خارجی و موارد کلان ؛ جلسه جمعی نمی گذارند! در حوزه سیاست خارجی و تصمیمات مهم ، تعداد نفرات تصمیم گیرنده از انگشتان یک دست هم بیشتر نیست . آیا همین تعداد اندک و تصمیم گیرنده ؛ سقف سیاستهای نوین غرب در خاورمیانه بزرگ را درک کرده اند یا فکری کنند هنوز خاله بازی ادامه دارد ؟

به نظر من غرب و در رأس آن دولت ایالات متحده تصمیم خودشان را مبنی بر زدن آخرین میخ تابوت خاورمیانه سابق؛ جبراً گرفته اند . زمان موش و گربه بازی یا خاله بازی برای امریکا و حکومت اسلامی در حیات خاورمیانه از مدتی پیش در وقت اضافه است .



اسماعیل هوشیار

۲۰۱۲/۱۰/۲۸